

اوانز، ریچارد پل، ۱۹۶۲ - م Evans, Richard Paul/
۵ درسی که یک میلیونر درباره زندگی و ثروت به من آموخت / اثر ریچارد پاول اوانز
ترجمه مهدی قراچه‌داغی؛ ویراستار: پریش طلایی.
تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۵.
۱۱۲ ص:

۷-۷۷۵-۲۳۶-۹۶۴-۹۷۸

فیبا

عنوان اصلی: The five lessons a millionaire taught me about life and wealth, c2006.

امور مالی شخصی / امنیت مالی

Financial security/Finance, Personal

قراچه‌داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم

۱۳۹۵ الف/۱۷۹۱۱ پ ۸۵

۲۳۲/۰۲۲

۴۲۷ ۴۴۷

۵ درسی که یک میلیونر درباره زندگی و ثروت به من آموخت

نویسنده: ریچارد پاول اوانز

ترجمه: مهدی قراچه‌داغی

ویراستار: پریش طلایی

صفحه‌آرا: زهرا سیدصالحی

حروفچین: زهرا شعبانی

طراح جلد: ندا ایمنی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۷-۷۷۵-۲۳۶-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-236-775-7

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



naslenowandish

انتشارات نسل نواندیش
<https://telegram.me/naslenowandish>

فهرست مطالب

۱۳	پیش گفتار.....
۱۷	سراغاز: چرا این کتاب را نوشتم.....
۲۱	مقدمه: معلم.....
۲۴	میلیونر در آینده.....
۲۶	آیا به شانس بستگی دارد؟.....
۲۶	آیا پای هوش در میان است؟.....
۲۷	آیا این‌ها نیست، پس کدام است؟.....
۲۹	درس یک: تصمیم بگیرید ثروتمند شوید.....
۳۰	چه کسی می‌خواهد میلیار شود؟.....
۳۵	اسراف برابر ثروت است؟.....
۳۶	قدرت تعهد.....
۳۷	بخواهید و دریافت خواهید کرد.....
۳۸	انتخاب مسیر همان انتخاب مقصد است.....
۳۸	یک قدم کوچک.....
۴۱	درس دو: مسئولیت پل‌تان را بپذیرید.....
۴۲	شروعی تازه.....
۴۴	بیشتر از آن که فکر می‌کنید.....
۴۹	درس سه: بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنید.....
۴۹	موضوع فقط به مشهورها و پردرآمدها محدود نمی‌شود.....
۵۱	قدرت بهره مرکب.....
۵۳	پس‌انداز کردن را شروع کنید.....
۵۵	خرید فلزات قیمتی.....
۵۵	از متخصصان بهره بگیرید.....

- ۵۶غازی را که تخم طلا می کند، نگشید
- ۵۶آیا بهتر است ابتدا بدهی هایم را بپردازم؟
- ۵۹درس چهار: برنده حواشی شوید
- ۶۰برنده حواشی شدن از طریق درآمد بیشتر
- ۶۰قوطی های طلای قهوه
- ۶۱پاره چوب
- ۶۲اجار، دادن زمین زراعی
- ۶۲کاسبی خانگی
- ۶۳هدیه عید
- ۶۵ثروت خود را برابر کنید
- ۷۱ذهنیت شماره یک: ده میلیونر به دقت همه هزینه ها را در نظر می گیرد
- ۷۳چند کلمه طلایی
- ۷۴کمتر، بیشتر است
- ۷۶یک بار رفتن، دوبار رفتن
- ۷۷به پس اندازهای خود بها دهید
- ذهنیت شماره دو: ذهنیت میلیونر برابر ثروت است که آزادی و قدرت بهتر از لذت پولی هستند
- ۷۹لذت پولی هستند
- ۸۰تجربه نان شیرینی
- ۸۰تجلی پدری
- ۸۲اما من شایسته ام
- ۸۳آن ها در برابر ما
- ۸۴چه نوع احمقی؟
- ذهنیت شماره سه: ذهنیت میلیونر هزینه و مصرف را با خوشبختی برابر نمی داند
- ۸۹ذهنیت شماره چهار: ذهنیت میلیونر از پس انداز حمایت می کند

- درس پنجم: پس بدهید ۹۱
- دوست یا دشمن ۹۲
- ترازنامه زندگی ۹۲
- تقدیر یا کارمای مالی ۹۳
- نتیجه: آیا برای شروع کردن بیش از اندازه دیر نیست؟ ۹۵
- سرنجام ۹۶
- برنامه‌های حاشی شدن از طریق درآمد اضافی ۱۰۱
- مساغلی که می‌توانند بر درآمد شما بیفزایند ۱۰۱
- برنده حواسی شدن از طریق پس‌انداز ۱۰۳
- ایجاد پس‌انداز ۱۰۳
- وثیقه و اجاره ۱۰۴
- غذا ۱۰۵
- خدمات رفاهی ۱۰۶
- حمل و نقل: صورت‌حساب‌ها و هزینه‌ی مربوط به اتومبیل ۱۰۸
- مسافرت با هواپیما ۱۰۹
- بیمه‌های درمانی و پزشکی ۱۰۹
- بیمه ساختمان ۱۱۰
- رخت و لباس ۱۱۰

پیش گفتار

به قلم: رابرت سی‌گی

در دفتر کار، یک ساعت چکمه مخصوص گاوپران‌ها را نگهداری می‌کنم که زمانی متعلق به یکی از همکاران تجاری‌ام بود. او در اثر بیماری سرطان مُرد و همسرش آن‌ها را به رسم یادبود به من داد؛ چکمه‌ها برای من نشان دشواری‌های ثروت هم‌ها هستند. همکار تجاری‌ام شرکت بزرگی دایر کرده و امیدوار بود آن را برای خانه‌اش به ارث بگذارد، اما ظاهراً قرار نبود چنین اتفاقی بیفتد، زیرا افراد خانواده این رؤا را با جاه‌طلبی‌های خود از بین بردند. تلاش می‌شد به روش‌های خفیه، کنترل شرکت را از دستانش خارج کنند. یکی از فرزندان به سبب ایجاد مسائل مالی برای شرکت به زندان افتاد. رؤیای خانوادگی به کابوس تبدیل شد.

اولین بار نبود که شاهد تأثیرات زیان‌بار پول بودم. پدرم، مدیر ارشد اجرایی یکی از ثروتمندترین افراد جهان، هووارد هاگز، بود. این‌گونه شاهد بدترین جنبه‌های ثروت بودم؛ حرص بر سر کسب قدرت، خدعه‌ها، نیرنگ‌ها و حتی تخریب روح و روان. همه این‌ها برای پول بود. اما شاید بیش از هر چیز دیگر، ویژگی آقای هاگز بر من تأثیر گذاشت.

سال‌های مدید بود که آقای هاگز روز عید به خانه ما زنگ می‌زد و از پدرم می‌خواست سر کار برود. بعد وقتی پدرم وارد اداره می‌شد خیلی ساده می‌گفت: «بیل، صرفاً می‌خواستم با تو حرف بزنم» و بعد از چند ساعت صحبت دوستانه هم می‌گفت: «عید است، بهتر است پیش خانواده‌ات بروی». به یاد دارم فکر می‌کردم که او با همه ثروت و قدرتش، تنها و منزوی است.

این تجربه تأثیری عمیق بر من گذاشت. نظرم درباره پول و ثروت عیب کرد. در جایگاه مردی جوان که در اوایل دوران بیست‌سالگی است، روحانی که اغلب دوستانم در این فکر بودند که چگونه اولین میلیون‌دلار خود را کسب کنند، متوجه شدم که فکرم جای دیگری است. به این نتیجه رسیدم که من «وِهم» یک معلم دینی، کارمندی در زمینه اجتماعی یا یک روان‌پزشک شوم. می‌خواستم با کارم به انسانیت خدمت کنم نه آن‌که ویرانش سازم. می‌خواستم مناسی بشوم جز یک تاجر.

وقتی به سراغ پدرم رفتم تا درباره آینده‌ام با او صحبت کنم، از توصیه‌ای که به من کرد شگفت‌زده شدم. و گفت: «فکر می‌کنم فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی دانشگاه هاروارد برای من بهترین باشد». با عصبانیت او را متهم کردم که فکر می‌کند تنها چیز مهم در زندگی، پول است. پدرم به آرامی در جوابم گفت: «پسر، تمام عشق‌های بهانه و صد هزار دلار قصد دارند نمازخانه بعدی را بسازند.»

حالا با گذشت ۲۵ سال به راهنمایی خردمندانه پدرم پی می‌برم. با درکی که از پول پیدا کردم، فرصت یافتم به آنچه دلم می‌خواست برسم، یعنی از بین بردن فقر، ایجاد مراقبت‌های بهداشتی، تحصیلات و کمک به ساختن نمازخانه‌ها. از طریق فعالیت مؤسسه ما هزاران شغل ایجاد شد و حفظ گردید.

من هر دو روی پول را دیده‌ام، همه روی خوب و هم روی شیطانی. می‌دانم که ثروت بدون اخلاقیات به درد نمی‌خورد. خداوند قدرت زیبایی به ما عطا کرده، اما اگر از این قدرت به درستی استفاده نکنیم، رنج و درد و تراژدی نصیبمان می‌شود. به همین شکل پول یک شمشیر دولبه است. پول می‌تواند خوشبختی و در غیراین صورت، بدبختی به ارمغان آورد.

پول قدرت فراوان دارد و در این شرایط هرگز عجیب نیست که مردم پول را می‌پرستند و آن را دوست دارند. اما در مجموع، مردم کاری را که باید بکنند، نمی‌کنند؛ یعنی استفاده از پول برای بهتر کردن زندگی خود و ایجاد شرایط بهتر در جهان. به همین دلیل است که من کتاب پنج درس را دوست دارم. ریچارد پاول، اوانز، تنها درباره کسب ثروت بحث می‌کند، بلکه به ذهنیت درستی اشاره دارد که باید ملازم فرآیند تحصیل ثروت باشد. به عبارت دیگر، پول باید برای مقاصد شخصی، سود و نفع اجتماعی کنترل گردد.

اصول مالی حقیقی و قدرتمند هستند چه در سطح نازل حرف بزئیم چه در سطح وسیع. اصولی که آموزش داده می‌شوند، هم مطلبی جدید نیستند و خود ایوانز تأکید می‌کند که مدیران مالی قرن‌ها، از این اصول پیروی می‌کنند، اما هرگز در جایی ندیدم که این اصول با چنین جامعیتی آموزش داده شوند تا هر کس در هر شرایط بتواند از آن‌ها بهره‌مند شود. پنج درس هدیه به همه کسانی است که به اندازه کافی از خرد و تدبیر برخوردارند تا از آن درس بیاموزند. من شخصاً به همه کارکنانم توصیه کرده‌ام این کتاب را بخوانند.

و چه کاری بهتر از این که خواندنش را به فرزندانم توصیه کنم.